



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه نرجس (علیه السلام)

شهرستان مشهد

مقاله تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

توسل راهی به سوی خدا

تقدیر بررسی حرمت توسل از دیدگاه واپسیت

استاد راهنما

سرکار خانم مانده رضایی

استاد داور

پژوهشگر

سمیه آوه

تابستان ۱۳۸۹

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	مفهوم شناسی توسل
۴	عملکرد و هابیت در طول تاریخ
۴	عقاید و هابی ها
۴	۱- اقرار به شهادتین موجب اسلام نیست
۴	۲- تجسیم خداوند
۵	۳- حرمت شفاعت خواستن از اولیاء
۵	۴- حرمت توسل خواستن از اولیاء
۵	۵- حرمت زیارت
۶	دلایل قرآنی بر حرمت توسل
۶	رد دلایل حرمت توسل
۸	جواز توسل از دیدگاه عقل
۹	جواز توسل از دیدگاه قرآن
۱۰	جواز توسل از دیدگاه روایات و عمل صحابه
۱۲	پاسخ به یک شبهه
۱۳	نتیجه
۱۴	فهرست منابع

چکیده

موضوع تحقیق پایانی نقد و بررسی حرمت توسل از دیدگاه وهابیت است. مقصود از توسل آن است که بنده چیزی یا شخصی را نزد خداوند واسطه قرار دهد تا وسیله قربش به خدا گردد. وهابیت نام فرقه ای است که منسوب به موسس خود محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان نجدی می باشد که با ادعای احیای توحید در دین اسلام، در قرن دوازدهم شکل گرفته و به مقابله با مسلمانان پرداخت. آنها بر این باورند که توسل حرام است و برای اثبات ادعای خود آیات قرآنی متعددی را آورده اند، در حالی که آیاتی از قرآن مانند آیه ۳۵ سوره مائده اتخاذ وسیله برای کسب قرب الهی را جایز دانسته است.

در ادامه باید بیان کرد، نه تنها عقل این عمل را مذموم نمی داند، بلکه روایات متعددی همچون توسل حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) به رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) قبل از خلقت، توسل نابینا به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) و شفای چشمان او و غیر این روایات دلیلی بر رد تحریم توسل است و عمل صحابه نیز همچون توسل بلال بن حارث به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) در زمان خشکسالی دلیل دیگری بر جواز توسل است.

کلید واژه ها: توسل، وهابیت، تکفیر، حرمت، ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب.

مقدمه

یکی از راه های معنوی برای رسیدن به قرب الهی و رفع حاجت، توسل است. توسل براساس آیات قرآنی نظیر آیه ی ۴۵ سوره ی مائده که خداوند می فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»؛ «وسیله ای برای تقرب به خدا بجویید». مورد تاکید می باشد و همچنین روایاتی از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) که مسلمانان را به توسل جستن دعوت می کند، دلیل دیگری بر این ادعاست.

با وجود این مجوزها، وهابی ها با ادعای اصلاح دین ر سول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و رفع بدعت از آن، باتوسل مخالفت کرده و آن را حرام می دانند و برای ادعای خود در مورد حرمت توسل از آیاتی چون ۱۹۴ اعراف «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أُمَثَلُكُمْ» و آیاتی دیگر استفاده می کنند.

از آن جهت که توسل یکی از اعتقادات بر حق شیعه است و مورد تاکید قرآن می باشد و جزئی از سیره ی انبیاء و اولیاء بوده، دفاع از آن ضروری به نظر می رسد. مقاله مورد نظر با محوریت تاریخچه توسل، دلایل حرمت توسل از دیدگاه وهابیت و رد دلایل حرمت انجام گرفته است.

در این مقاله از روش تحلیلی، استدلالی و توصیفی بهره گرفته شده و برای جمع آوری مطالب از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

منابع مورد استفاده: منابع روایی، کلامی، تاریخی و ملل و نحل.

مفهوم شناسی توسل

قبل از بحث پیرامون حرمت توسل از سوی وهابیت و رد دلایل حرمت دو واژه ی محوری آن یعنی توسل و فرقه ی وهابیت را از نظر مفهوم مورد بررسی قرار می دهیم.

«تَوَسَّلَ يَتَوَسَّلُ تَوْسُلًا إِلَى اللَّهِ بِعَمَلٍ أَوْ وَسِيلَةٍ»؛ «با عمل یا با یک وسیله به خدا تقرب جست»^۱.

در اصطلاح مقصود از توسل آن است که بنده چیزی یا شخصی را نزد خداوند واسطه قرار دهد تا او وسیله ی قریبش به خدا گردد^۲.

توسل بر طبق آیات و روایات بر چند نوع است:

۱- توسل به اسماء و صفات خداوند

۲- توسل به قرآن کریم

۳- توسل به عمل صالح

۴- توسل به دعای برادر مؤمن

۵- توسل به پاکان و صالحین در زمان حیات و مماتشان

وهابیت یکی از فرق اسلامی است که در نجد و حوالی آن ظاهر گردید و منسوب به محمد بن عبدالوهاب است. اساس کار این فرقه بر این است که صریح کتاب خدا (قرآن) و سنت پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را اخذ می کنند و آنچه را که در سنت نمی یابند، بدعت می شمارند^۳.

^۱. لویس معلوف، المنجد عربی - فارسی، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۰، ص ۶۷۲.

^۲. ابی الفضل شهاب الدین الالوسی لالبغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵هـ، ج ۵-۶، ص ۱۳۴.

^۳. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، دانشگاه تهران، ۱۳۲۰، ج ۴، ص ۲۶۵.

عملکرد وهابیت در طول تاریخ

لشکر سعودی — وهابی برای رسیدن به اهداف خود جنایات زیادی را در طول تاریخ انجام

داد که در این بحث به برخی از این اعمال می پردازیم:

۱- کشتار شیعیان کربلا

۲- حمله به طائف

۳- تخریب آثار بزرگان مکه

۴- آتش زدن کتابخانه های بزرگ

۵- تخریب آثار بزرگان مدینه

عقاید وهابی ها

برخی از اعتقادات و اموری که وهابی ها به داشتن آن شهرت یافته اند، عبارت است از:

۱- اقرار به شهادتین موجب اسلام نیست

آن ها بر این باورند که بنده ای که «لا اله الا الله» را می گوید، یگانگی خدا را به عبادت

اعلان کرده و عبادت غیر خدا را، مانند عبادت قبرها و اولیاء و صالحین را باطل نموده است.^۴

۲- تجسیم خداوند

ابن تیمیه در کتاب الفتاوی می گوید: «آنچه که در قرآن و سنت ثابت شده و اجماع و اتفاق

پیشینیان بر آن است، حق می باشد. حال اگر از این امر لازم آید که خداوند متصف به جسم بودن

^۴. رک: صالح بن فوزان الفوزان، معنای لا اله الا الله و مستلزمات و تأثیر آن در فرد و جامعه اسلامی، ترجمه اسحاق

بن عبدالله دبیری العوضی، ریاض، معاونت مطبوعات و پژوهش های علمی وزارت شوون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

شود اشکالی ندارد، زیرا لازمه ی حق نیز حق است».^۵

۳- حرمت شفاعت خواستن از اولیاء

از این جهت محمد بن عبدالوهاب می گوید: «اگر مقصود شفاعت خواهان، طلب شفاعت از ملائکه، پیامبران و اولیاء است - که به واسطه آن ها تقرب به خدا جویند - این همان چیزی است که به واسطه ی آن ها خون ها و اموالشان مباح شمرده می شود».^۶

۴- حرمت توسل خواستن از اولیاء

محمد بن عبدالوهاب در این زمینه می گوید: «هر کس به پیامبران و صالحان توسل جوید و آنان را شفیع خود سازد، خونس حلال و قتل او جایز است».^۷

۵- حرمت زیارت

درباره زیارت اختلاف نظر وجود دارد. برخی چون ابن تیمیه بر این باورند که زیارت قبر پیامبر حرام است.^۸ محمد بن عبدالوهاب بر خلاف ابن تیمیه می گوید: «زیارت پیامبر مستحب است؛ ولی مسافرت جز برای مسجد الحرام و مسجد خودم (مسجد النبی) و مسجد الاقصی، جایز نیست: «لا تشد الرحال الا الی ثلاثه؛ المسجد الحرام و مسجدی و مسجد الاقصی»^۹ لذا وی به

^۵ . تقی الدین ابن تیمیه الحرانی، الفتاوی الکبری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ هـ ق، ص ۷۹.

^۶ . رک: نجم الدین طیبی، روافد الايمان الی عقاد الاسلام، بی جا، دارالولاء للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۳۲ هـ ق، ص ۱۵.

^۷ . محمد حسینی قزوینی، وهابیت از منظر عقل و شرع، بی جا، موسسه ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۷، چاپ سوم، ص ۲۰۸.

^۸ . رک: محسن الامین الحسینی العاملی، کشف الارتیاب، ص ۴۵۹.

^۹ . ابی حامد محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ هـ ق، ص ۳۵۸.

استناد این حدیث، سفر به قصد زیارت قبور را تحریم کرده است.^{۱۰}

دلایل قرآنی بر حرمت توسل

وهابیهها معتقدند آیات فراوانی گواهی می دهد که فرد مسلمان نباید غیر خدا را بخواند و یا ندا کند چنان که می فرماید: «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^{۱۱}؛ «با خدا دیگری را نخوانید.» «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ»^{۱۲}؛ «کسانی را که به غیر خدا می خوانید بندگانی مانند شما هستند.» از این دو آیه استفاده می شود که در مقام دعا باید خدا را خواند نه غیر او را و توسل به شخص و شخصیت و منزلت و مقام، خواندن غیر خداست.^{۱۳}

رد دلایل حرمت توسل

وهابی ها بر این باورند که میت، قادر به اجابت دعا نیست، بنابراین درخواست دعا از او لغو و بیهوده است.^{۱۴}

در واقع حقیقت انسان، مجموعه ی «بدن ذری اصلی» و «روح و روان» اوست، و با آمدن مرگ روح از پیکر جدا می شود نه آن که بدن یا روح نابود می گردد.^{۱۵}

آن چه به خوبی درک می شود، این است که در دنیا همه ی افعال انسان از روح او صادر می شود. پیکر و بدن و اعضاء و جوارح به منزله ی ابزاری برای آن می باشند. لذا ممکن است بدون این ابزار نیز فعالیت داشته باشد. شاهد بر این مسئله این است که هر گاه ارتباط روح از بدن به طور

^{۱۰} . نجم الدین طبسی، روافدالایمان، ص ۱۰۲.

^{۱۱} . سوره جن (۷۲)، آیه ۱۸.

^{۱۲} . سوره اعراف (۷)، آیه ۱۹۴.

^{۱۳} . رک: جعفر سبحانی تبریزی، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ص ۲۷۱.

^{۱۴} . همان، ص ۲۴۷.

^{۱۵} . محمد باقر علم الهدی، شفاعت، تهران، انتشارات منیر، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۷.

کلی قطع می شود، مانند: زمان مرگ، یا ارتباط روح با بدن ضعیف می گردد، هنگام خواب یا حالت بی هوشی با آن که بدن و اعضاء و جوارح سالم می باشند، هیچ گونه فعالیت ندارند.^{۱۶} آیات متعددی نیز بیان می کند که این روح بعد از مرگ نیز باقی است. پروردگار عالم می فرماید:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى.^{۱۷}

خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می کند و ارواحی را که هنوز هنگام مرگشان فرا نرسیده نیز به هنگام خواب می گیرد، پس ارواح کسانی را که فرمان مرگشان را صادر کرده ننگه می دارد و ارواح دیگری (که باید زنده بمانند) تا سر آمدی معین باز می گرداند.

در پاسخ وهابیت که دلایل قرآنی بر حرمت توسل آورده اند باید گفت:

مقصود دعا در مجموع این آیات، مطلق دعا و خواستن نیست، بلکه دعا و ندای خاصی است که با قصد آن معنا، مرادف با معنای عبادت می شود و آن معنای الوهیت و ربوبیت است. به علاوه که مجموع این آیات مربوط به بت پرستانی است که گمان می کردند بت‌هایشان (یا آن که موجوداتی که این بت‌ها رمز آن‌هاست) برخی از شئون تدبیر را مالکند. لذا برای آن‌ها استقلال در فعل و تصرف قائل بودند. پر واضح است که هر نوع تواضع برای کسی و درخواست از کسی غیر از خداوند با این

^{۱۶} . رک: محمد باقر علم الهدی، شفاعت، ص ۷۱.

^{۱۷} . سوره زمر (۳۹)، آیه ۴۲.

اعتقاد عبادت او محسوب شده و شرک است.^{۱۸}

علامه طباطبایی در تفسیر آن می فرماید: «در حقیقت تقدیر آیه چنین است (لا تدعوا مع الله احدا غیره، لان المساجد لله) با خدا احدی غیر او را نخوانید زیرا مساجد تنها مال اوست، و مراد به دعا، عبادت و پرستش است.»^{۱۹}

۲- طبرسی در مجمع البیان ذیل «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ»^{۲۰} می فرماید: «این خدایان ساختگی و بت هایی که شما آن ها را به پرستش گرفته و برای خود خدا می خوانید و در برابرش کرنش می کنید، خود آفریده هایی به سان شما هستند، در برابر فرمان خدا رام می باشند.»^{۲۱}

جواز توسل از دیدگاه عقل

طبق حکم عقل و نقل «خدای سبحان بر هر چیزی قادر است»^{۲۲} بنابراین اگر بپرسند که «آیا خداوند متعال می تواند اثری را بر چیزی عطا کند و یا از آن، سلب نماید؟» پاسخ آن مثبت است.

زیرا اگر به آن پاسخی منفی داده شود، مستلزم عجز و ناتوانی ذات اقدس الهی است و عقل، خدای سبحان را از نقص و عیب تنزیه می نماید.^{۲۳}

فیوضات معنوی خداوند، همچون هدایت، مغفرت و آمرزش نیز بر اساس نظامی خاص بر انسان ها نازل می شود و

^{۱۸} . رک: علی اصغر رضوانی، سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات، ص ۴۲۲.

^{۱۹} . محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، بی جا، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۴۹.

^{۲۰} . اعراف (۷)، آیه ۱۹۴.

^{۲۱} . ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، ترجمه — تحقیق و نگارش علی کریمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۵۱.

^{۲۲} . سوره بقره (۲)، آیه ۲۰.

^{۲۳} . محمد باقر علم الهدی، شفاعت، ج ۱، ص ۲۹۲.

اراده ی حکیمانه ی خداوند بر این تعلق گرفته که امور از طریق اسباب خاص و علل معین به انسان ها برسد. بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده و خود بی واسطه به چنین کاری دست نزده است؟ در عالم معنا نیز نمی توان گفت: چرا خداوند مغفرت خویش را به واسطه ی اولیای الهی، شامل حال بندگان می کند؟^{۲۴}

جواز توسل از دیدگاه قرآن

قرآن به مومنان فرمان می دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۲۵}

زمخشری در کشاف می نویسد: «وسيله عبارت از هر چیزی است که آدمی را به دیگری نزدیک می کند».^{۲۶}

با توجه به آیه ۳۵ سوره مائده و معنای وسیله در می یابیم که یکی از سنت های الهی استفاده از اسباب و عللی موجود در این نظام است.

خداوند درباره ی وسیله بودن حضرت یعقوب (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید: «قَالُوا يَا بَنَا آسْتَعْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^{۲۷}؛ «فرزندان یعقوب گفتند: ای پدر، آمرزش گناهان ما را از خدا بخواه که ما خطاکار بودیم، گفت: به زودی برای شما از

^{۲۴} . علی اصغر رضوانی، سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات، ص ۴۰۱

^{۲۵} . سوره مائده (۵)، آیه ۳۵.

^{۲۶} . ابی القاسم محمود بن عمر الزمخشری، تف سیر ک شاف، تحقیق عادل احمد عبد الموجود، علی محمد معوض،

ریاض، مکتبه العبیکان، ۱۴۱۸هـ، ج ۲، ص ۲۳۰

^{۲۷} . سوره یوسف (۱۲)، آیات ۹۸-۹۷.

پروردگارم آمرزش می طلبم که او بسیار بخشنده و مهربان است»^{۲۸}.
از آیات فوق استفاده می شود که تقاضای استغفار از دیگری نه تنها منافات با توحید ندارد بلکه راهی است برای رسیدن به لطف و عنایت پروردگار، در غیر این صورت چگونه ممکن است حضرت یعقوب به توسل آنان پاسخ مثبت بدهد.^{۲۹}

جواز توسل از دیدگاه روایات و عمل صحابه

در روایات بیان شده که حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) قبل از خلقت رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ)، به ایشان متوسل شده اند.

وقتی آدم مرتکب گناه شد، سر به آسمان بلند کرد و گفت: (خدایا) ترا به حق محمد سوال می کنم که مرا ببخشی، خدا به او وحی نمود که محمد کیست؟ آدم پاسخ داد، وقتی مرا آفریدی، سر به عرش بلند نمودم در این هنگام دیدم در آن نوشته است، معبودی جز خدا نیست و محمد پیامبر خداست، با خود گفتم که محمد بزرگترین مخلوق اوست که خدا نام او را کنار نام خود آورده است، در این هنگام به او وحی شد که او آخرین پیامبر از ذریه ی تو است، و اگر او نبود تو را خلق نمی کردم.^{۳۰}

توسل به پیامبر در زمان حیات ایشان نیز صورت گرفته است. از عبدالملک بن هارون بن غتره از پدرش از جدش روایت شده که ابابکر نزد پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) آمد و گفت: «من

^{۲۸}. محمد باقر علم الهدی، همان، ص ۲۹۶.

^{۲۹}. رک: ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ص ۷۵.

^{۳۰}. احمد بن محمد قسطلانی، المواهب الدنیه بالمنح المحمدیه، تحقیق صالح احمد الشامی، بیروت، مکتب الاسلامی، ۱۴۲۵هـ، ج ۴، ص ۵۹۴.

قرآن را یاد می گیرم اما گاهی آن را فراموش می کنم». پیغمبر فرمودند: بگو:

اللهم انی اسالک بمحمد نبیک و ابراهیم خلیک و
بموسی نجیک و عیسی روحک و بتوراه موسی و انجیل عیسی
و فرقان محمد و بکل وحی اوحیته و قضاء قضیته.^{۳۱}
پروردگارا از تو درخواست می کنم به محمد پیامبرت
و ابراهیم دوست تو و به موسی و عیسی روح تو و به تورات
موسی و انجیل عیسی و فرقان محمد و به هر وحیی که وحی
نمودی آن را و هر قضایی که گذراندی آن را.

توسل به پیامبر در حیات برزخی توسط صحابه و تابعین انجام گرفته است.

طبرانی نقل کرده است:

مردی به جهت گرفتاری نزد عثمان خلیفه سوم رفت و
آمد می کرد، ولی عثمان به وی توجه نمی کرد، به عثمان بن
حنیف گلایه کرد، عثمان بن حنیف به وی گفت: «وَضُوْ بَکِیْرٍ وَ
بِه مَسْجِدِ بَرُو، پس از خواندن نماز به رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ وَسَلَّمَ) متوسل شو و بگو: «اللهم انی اسالک و اتوجه الیک
بنبیک محمد نبی الرحمه، یا محمد انی اتوجه بک الی ربی
فیقضی لی حاجتی، و تذکر حاجتک؛ خدایا، حاجت خود را از
تو می خواهم و به وسیله ی پیامبرت به تو روی آورده ام، ای
محمد من به وسیله ی تو به خدا رو آورده ام تا حاجتم بر
آورده شود. آن گاه حاجت خود را ذکر کن». به توصیه ی
عثمان بن حنیف عمل نمود و به طرف منزل عثمان بن
عفان، خلیفه ی مسلمین حرکت کرد، وقتی که چشم دربان
خلیفه به وی افتاد، او را با احترام نزد عثمان برد و خلیفه او را

^{۳۱}. رک: حسن طاهری خرم آبادی، پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۲۴۸.

نزد خود نشانند و مشککش را برطرف نمود و حاجتش را روا ساخت. از نزد خلیفه بیرون آمد و نزد عثمان بن حنیف رفت و داستان را برای او نقل نمود و از وی تشکر کرد. عثمان بن حنیف گفت: به خدا سوگند، این توسل را از پیش خود نگفتم؛ بلکه نزد پیامبر گرامی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بودم که نابینایی آمد و از حضرت تقاضای دعا نمود، رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) این توسل را به او آموخت، مرد نابینا به برکت این توسل شفا یافت و بینا گردید.^{۳۲}

عملکرد علما و بزرگان اهل سنت درباره ی زیارت قبور یکدیگر و توسل جستن به صاحب قبر دلیلی دیگر بر جواز توسل است. در «خلاصه الکلام» و «الدر السنیه» احمد بن زینی دحلان می نویسد: ابن حجر در کتاب «الخیرات الحسان فی مناقب ابی حنیفه النعمان» آورده که امام شافعی در وقت اقامتش در بغداد به ابی حنیفه توسل می کرد و کنار ضریح او حاضر می شد و زیارت می کرد و حاجت هایش را از خدا می خواست و گفته: امام احمد هم به شافعی توسل پیدا می کرد. حاجت هایش را از خدا می خواست.^{۳۳}

پاسخ به یک شبهه

بحث توسل پیشوایان اهل سنت به یکدیگر این شبهه را در نزد ما شیعیان ایجاد می کند به هر شخصی غیر از پیامبر و ائمه نیز می توان توسل جست. در پاسخ باید گفت: که انسان می تواند به مقدسات و شعائر الهی همچون قرآن کریم، کعبه، ملائکه، توسل بجوید، و همچنین به بندگان که حق عبودیت و بندگی الهی را به جا آورده اند.^{۳۴} و آینه اسماء و صفات حضرت حق شده اند و به واسطه ی آن به اذن پروردگار از توانایی و قدرت خاصی بر انجام امور برخوردار گشته اند.^{۳۵} از آن جا که اوج بندگی و عبودیت و معرفت حق

^{۳۲}. ابی القاسم سلیمان بن احمد بن ایوب للخمی طبرانی، المعجم الصغیر للطبرانی، ج ۱، ص ۱۸۳.

^{۳۳}. محسن الامین الحسینی العاملی، تاریخچه نقد و بررسی وهابی ها، ص ۳۰۷.

^{۳۴}. رک: سید محمد کاظم، شفاعت و توسل، قم، نشر معارف، چاپ هشتم، ۱۳۸۵، ص ۵۸.

^{۳۵}. رک: محمد ضیاءآبادی، توسل، تهران، بنیادبعثت، چاپ ششم، ۱۳۸۶، ص ۶۷.

و انسان کامل در انبیاء و اوصیای جلوه گر است، توسل به آنان و در راس ایشان به پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) و امامان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَام) اولویت دارد.^{۳۶}

نتیجه

مبارزه با شعار اصلاح در دین رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) و جلوگیری از بدعت که به واسطه ی تفسیر نادرست از برخی آیات قرآنی و معنای توحید و برداشته غلط از عمل شفاعت و توسل و زیارت و... بوده، منجر به تکفیر بسیاری از مسلمانان و تحریم برخی از اعمال اعتقادی آنان گردیده است.

صراحت قرآن در استفاده از توسل برای رسیدن به قرب الهی و ارجاع صحیح آیاتی که وهابیان در جهت تحریم توسل آورده اند به بت پرستان و مشرکان، دلیلی بر رد حرمت توسل می باشد.

توسلات انبیاء و اولیاء در طول تاریخ و عملکرد صحابه نسبت به پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) و استدلال های عقلی و نقلی در مورد حیات پس از مرگ و قدرت پاسخگویی به خواسته های انسان از سوی اولیاءالله، دلیلی بر امکان جواز توسل می باشد.

فهرست منابع

* قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، مشهد، به نشر، چاپ هشتم، ۱۳۸۵.

۱. ابن تیمیه الحرانی، تقی الدین، الفتاوی الکبری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ هـ ق
۲. ابن فوزان الفوزان، صالح، معنای لا اله الا الله و مستلزمات و تاثیر آن در فرد و جامعه اسلامی، ترجمه اسحاق بن عبدالله دبیری العوضی، ریاض، معاونت مطبوعات و پژوهشهای علمی وزارت شوون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد عربستان سعودی، ۱۴۲۵ هـ ق
۳. امین الحسینی العاملی، محسن، تاریخچه ی نقد و بررسی وهابی ها، ترجمه و نگارش ابراهیم سید علوی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵
۴. امین الحسینی العاملی، محسن، کشف الارتیاب فی أتیاء محمد بن عبدالوهاب، بی جایی تا، بی نا
۵. حسینی قزوینی، سید محمد، وهابیت از منظر عقل و شرع، بی جا، موسسه ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۷، چاپ سوم
۶. زمخشری، ابی القاسم محمود بن عمر، تفسیر کشاف، تحقیق عادل احمد عبد الموجود، علی محمد معوض، ریاض، مکتبه العبیکان، ۱۴۱۸ هـ ق
۷. سبحانی تبریزی، جعفر، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، قم، موسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۳۸۵
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، بی جا، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳
۹. طبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد بن ایوب للخمی، المعجم الصغیر للطبرانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ هـ ق

۱۰. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه — تحقیق و نگارش علی کریمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. طبسی، نجم الدین، روافد الایمان الی عقاید الاسلام، بی جا، دارالولاء للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۳۲ هـ.ق.
۱۲. ضیاءآبادی، محمد، توسل، تهران، بنیادبعثت، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۱۳. علم الهدی، محمد باقر، شفاعت، تهران، انتشارات منیر، ۱۳۸۶.
۱۴. غزالی، ابی حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ هـ.ق
۱۵. کاظم، محمد، شفاعت و توسل، قم، نشر معارف، چاپ هشتم، ۱۳۸۵.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۰.